

## فرجام وزیر دادگستری مصدق بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۲۳ بهمن ۱۴۰۱ ساعت ۲۰:۲۲

عبدالعلی لطفی در دولت مصدق از مشاوران دولت بود و هفته‌ای چندین ساعت با نخست‌وزیر ملاقات داشت. در نهایت محمد مصدق او را برای وزارت دادگستری انتخاب کرد. دوران وزارت لطفی یکی از چالشی‌ترین مقاطع قوه قضاییه در تاریخ ایران است. دکتر مصدق با قرار دادن اختیار تام به لطفی زمینه تغییرات فراگیری را در دستگاه قضائی کشور فراهم کرد. لطفی در اقدامی جنجالی دیوان عالی کشور را منحل کرد و بسیاری از قضاتی را که از دید او صلاحیت نداشتند اخراج کرد. در سایر قسمت‌های دستگاه قضایی تغییرات عمده‌ای ایجاد شد. برای مثال کانون وکلا برای اولین بار مستقل از دولت شد. لطفی مدت‌ها در کار قضاوت بود و در دادگستری قضاوت می‌کرد. محاکمه عبدالحسین تیمورتاش از اقدامات اوست. وی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقام وزارت دادگستری بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط مصدق از کار بر کنار شد و یک سال زندانی بود.

عبدالعلی لطفی (زاده ۱۲۵۸ یا ۱۲۵۹- درگذشته ۱۳۳۵) سیاستمدار و حقوق‌دان، وزیر دادگستری ایران در دولت محمد مصدق بود. وی پیش از دوران وزارت، رئیس دیوان جزای عمّال دولت (دیوان کیفر کارکنان دولت) و رئیس کل بازرسی کل کشور بود. گزارشی که حسن اعظام‌قدسی، به‌عنوان یکی از شاهدان عینی از فرجام عبدالعلی لطفی ارائه کرده است، بسیار جامع و تکان‌دهنده است: «لطفی، از مال و منال دنیا، یک خانه محقر یک طبقه، در کنار جاده شمیران دارد که به اتفاق فرزندانش در آن زندگی می‌کند. وی از کسالت و نقاهت زندان می‌نالید. بعد از استخلاص از زندان، اوقات خود را صرف مطالعه می‌کند و مصمم است شروع به تدوین کتابی به نام تاریخ حوادث ایران بکند. فعلا بدون یک شاهی عایدی او با کمک فرزندانش زندگی می‌کند. با اینکه منتظر خدمت هم نشده است، مع‌الوصف حقوقی از وزارت دادگستری دریافت نمی‌کند. حسن اعظام قدسی، سپس در مورد لطفی به شرح واقعه‌ای می‌پردازد: «آقای لطفی وزیر دادگستری کابینه دکتر مصدق که از مدتی قبل بر اثر توقیف مبتلا به کسالت شده بود، به تجویز پزشکان به بیلاق منزل شخصی رفته بود که واقع در کوچه اسدی نزدیک میدان تجریش است. مقارن ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه، عده‌ای که بنا به اظهار کسبه آن حدود، متجاوز از ۵۰ نفر بودند، به وسیله یک اتوبوس بزرگ در جلوی کوچه اسدی پیاده و داخل کوچه می‌شوند. از این عده، حدود ۳۰ نفر، به زور داخل منزل شده و بقیه در خارج منزل مراقب و در انتظار مراجعت رفقای خود بودند. این عده پس از داخل شدن به منزل سراغ آقای لطفی را گرفته و پس از چند دقیقه گفت‌وگو، ناگهان به ایشان حمله‌ور می‌شوند و لطفی که با لباس استراحت در بستر بیماری افتاده بود، دراثنای حمله به زمین می‌افتد. این جمعیت همچنان با مشت و لگد و چوب، به سر و صورت و بدن ناتوان وی، ضرباتی وارد می‌آورند. در این هنگام خانم و دختر و عروس آقای لطفی داخل حیاط شده و ضمن اعتراض به عملیات این مردمان وحشی، با گریه و زاری شروع به داد و فریاد می‌کنند و همسایگان را به کمک و نجات می‌طلبند. این عده پس از مضروب نمودن لطفی که در نتیجه بی‌حال می‌شود، به همسر و دختر و نوه او حمله کرده

و موی سر آنها را کنده و ضرباتی هم به آنها وارد می‌آورند که در این اثنا، نوه یک ساله لطفی که در بغل یکی از این زن‌ها بوده به زمین افتاده در میان حمله‌کنندگان لگد مال و مجروح شده و از بین می‌رود. ضاربین پس از این عمل، با آسودگی خیال، منزل آقای لطفی را ترک کرده و به محل خود مراجعت می‌کنند و در تمام این مدت حتی یک نفر هم مزاحم عده مزبور نمی‌شود. طبق معاینه پزشک و پزشکان قانونی، بر اثر ضرباتی که به آقای لطفی وارد آمده بود، چشم راست مشارالیه معیوب و کور شده و دست چپ ایشان هم به شدت مجروح و در چند نقطه بدن نیز آثار سختی مشاهده می‌شود.»

منبع: حسن اعظام قدسی، خاطرات من (یا تاریخ صدساله ایران)، به کوشش حسن مرسلوند، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹، ص ۹۹

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49081/فرجام-دادگستری-وزیر-فرجام/49081>